



## فهرست

- مقدمه..... ۱۷
- گفتارهایی درباره‌ی جهان‌شناختی وحدت..... ۲۱
- واقعی‌ترین و عالی‌ترین روش شناخت..... ۲۲
- تصور و پندار غلط: همه‌چیز خدا نیست..... ۲۲
- عالم، وهم و خیال نیست..... ۲۳
- چیزی مستقل از امر پروردگار نیست..... ۲۳
- توجه خالصانه و عاشقانه..... ۲۵
- انسان مثالی عالی..... ۲۶
- منظور از وحدت، یکی شدن نیست..... ۲۷
- بزرگی و عظمت پروردگار..... ۲۸
- خیالات پارانویایی و ندای «انالحق»..... ۲۹
- آهسته شدن امواج مغز..... ۳۰
- نگاه وحدت‌مدار به هستی..... ۳۱
- دوگانه‌پنداری..... ۳۲
- عالم، مظهر و جلوه است..... ۳۲
- عقل بشری مشروط به واقعیت جهان..... ۳۳
- متضاد اما مکمل یک‌دیگر..... ۳۵
- تجربه‌ی عالم لایتناهی..... ۳۵
- رشد و معرفت در دنیاهاى دیگر ادامه دارد..... ۳۷

القاب مقدس در حد فهم بشری ..... ۳۸  
عالم نامتناهی در خود جاری است ..... ۳۹  
همه چیز از ذات بیرون آمده است ..... ۴۰  
در طراز هر جسمی خود را نازل ساخت ..... ۴۰  
یک نیروی واحد در طراز و طبقات مختلف ..... ۴۱  
جهان پرتویی از وجود یزدان است ..... ۴۱  
به آخر عالم نمی‌توان رسید ..... ۴۳  
مختصات برای مغز واقعی است ..... ۴۳  
در غیر این صورت بشر دو سه روز اول جان می‌داد ..... ۴۴  
کم یا زیاد شدن واسطه‌های شیمیایی سلولهای مغز ..... ۴۴  
مغز سکوی رشد و رستگاری ..... ۴۵  
مرگ تحولی بزرگ ..... ۴۶  
عالم در حال انقباض و انبساط ..... ۴۶  
ذره‌ای از وجود یگانه از میان نمی‌رود ..... ۴۷  
سلسله مراتب و درجات ..... ۴۸  
خلقت عالم وحدت‌های تو در توست ..... ۵۰  
خلاء فضا و ماده است ..... ۵۱  
مغز اثری ..... ۵۱  
مادی و معنوی دو روی یک سکه ..... ۵۲  
انگیزه و نیت مهم است ..... ۵۳  
گسترده‌گی اثر ..... ۵۴  
برتر از آن معنوی نیست ..... ۵۴  
چرخه‌ی علیت در جهان، وحدت‌مدار است ..... ۵۵  
عامل آشکارساز ..... ۵۶  
علت یکتا در ذات عالم ..... ۵۶  
ذره‌ای نیروی مستقل وجود ندارد ..... ۵۷  
هیچ چیز به‌تنهایی مصداق وجود پروردگار نیست ..... ۵۸

در وحدت جدا از دیگری نیست ..... ۵۸  
در هر لحظه تعادل می‌یابد ..... ۵۹  
مثبت و منفی‌ها ..... ۵۹  
هیچ ضدی نمی‌تواند نیست و نابود کند ..... ۵۹  
فطرت پیوسته است ..... ۶۰  
تصور نسبیته‌ها در وجود یگانه ممکن نیست ..... ۶۰  
دو قطب یک محور ..... ۶۱  
حرکت جهان تحولی است ..... ۶۲  
درک وحدت امری عقلانی و شهودی است ..... ۶۳  
شباهت سایه و صاحب سایه ..... ۶۵  
تمثیل نور ..... ۶۵  
صفات پروردگار عین ذات اوست ..... ۶۶  
از توان محض یزدانی تراوش می‌کند ..... ۶۷  
مادری را تصور کنید ..... ۶۸  
هدف خلقت و آفرینش انسان ..... ۶۸  
هدف خلقت ..... ۶۹  
معجزات، تمثیلی از مراتب بالا ..... ۷۰  
ارزش فطری انسان در وحدت ..... ۷۱  
عقاید و نظرات ارزشمند ..... ۷۱  
هر نظریه مکمل نظریه‌ی دیگر است ..... ۷۳  
بستگی به توجه انسان دارد ..... ۷۳  
درک فطری زمان و فضا ..... ۷۵  
ساختار تحولی و تطابقی وحدت‌مدار ..... ۷۵  
عوالم دیگر نیز چنین است ..... ۷۶  
موجودات اثری فضای رئالیستی خود را دارند ..... ۷۶  
توده‌ای انرژی ..... ۷۷  
از رحم مادر تا دنیای دیگر ..... ۷۸

۷۸..... تار و پودی باقی نمی ماند  
 ۷۹..... نگرش مثبت  
 ۸۰..... خیر و شر از شروط مغز است  
 ۸۱..... ذره‌ای از حق کسی ضایع نمی شود  
 ۸۲..... سوء تفاهم و کمبود همدلی علت اکثر اختلافات است  
 ۸۲..... هرچه که اتفاق افتاده و می افتد.....  
 ۸۳..... مشکل خلقی و ذهنی.....  
 ۸۴..... به روزمرگی و سرگردانی دل خوش نکنید  
 ۸۵..... مغز محدود.....  
 ۸۵..... هر مکرری به سود دیگری است  
 ۸۶..... وسیله‌ی خیر و سازندگی.....  
 ۸۸..... همه‌ی خرابی‌ها، مکمل وحدت‌مدار آبادانی اند  
 ۸۸..... اکثر محدودیت‌ها، انگیزه‌ی تحرک‌اند  
 ۸۹..... عامل رشد و توانمندی.....  
 ۹۰..... چه کسی دوست دارد منشأ شر باشد؟  
 ۹۱..... راه اصلی و پایدار.....  
 ۹۱..... در دل هر مرگی، تولدی است  
 ۹۱..... شعور همگانی در سراسر عالم.....  
 ۹۲..... برنامه‌ای ذاتی.....  
 ۹۳..... عالم فعال و خلاق است  
 ۹۴..... نیستی به همه‌جا سرایت می‌کند  
 ۹۵..... با هر عملی عکس‌العمل آن زاییده می‌شود  
 ۹۶..... بهشت و جهنم از همان آغاز در درون ماست  
 ۹۷..... حسابرسی دقیق و سریع  
 ۹۸..... دوربین‌های تصویربرداری دقیق  
 ۹۹..... نمایش آشکار اعمال  
 ۱۰۰..... اتصال به عالم وحدت

۱۰۱..... اتصال را محکم کنید  
 ۱۰۲..... با عشق یکتایی  
 ۱۰۲..... بردبار باشید  
 ۱۰۳..... تذکر و یادآوری  
 ۱۰۳..... راه تمرین این است  
 ۱۰۴..... منشأ و انگیزه‌ی شور و تحرک عالم  
 ۱۰۵..... هدف غایی و نهایی  
 ۱۰۵..... عشق، همان عقل فشرده است  
 ۱۰۶..... در دل هر خشم و نفرتی عشق رنجوری نهفته است  
 ۱۰۶..... همه‌ی موجودات را دوست دارد  
 ۱۰۷..... چرخه‌ی عشق  
 ۱۰۸..... افراط در مصرف عشق  
 ۱۰۸..... نیروهای مکمل  
 ۱۰۹..... تضادها و اختلاف‌ها  
 ۱۰۹..... گمراهی نشانه‌ی کمی راستی و کمبود عشق و محبت  
 ۱۱۰..... مریض‌دلانی که به درمان دارویی و فکری نیاز دارند  
 ۱۱۰..... انگیزه و نیت، اراده را تحریک می‌کند  
 ۱۱۲..... ذهن وحدت‌مدار  
 ۱۱۴..... عقل برتر از هرچیز  
 ۱۱۵..... ثابت‌های فطری عقل  
 ۱۱۶..... راه رسیدن به عرفان و معرفت متعالی  
 ۱۱۸..... هدف فطرت  
 ۱۱۹..... ژن‌های ناقص  
 ۱۲۰..... زور و فشار تا مدتی اثر دارد  
 ۱۲۰..... مغز اصل رشد در کره‌ی خاکی است  
 ۱۲۱..... در غیر این صورت دچار توهم و هذیان می‌شدیم  
 ۱۲۲..... ژن‌ها اسرار حیات موجود را در خود دارند

ابداعاتی که اخلاقی و انسانی نیست ..... ۱۲۳  
روح با ژن‌های نطفه ساخته می‌شود ..... ۱۲۳  
رابطه‌ی روح عالم و روح انسان ..... ۱۲۶  
فشار نیروی عالم ..... ۱۲۷  
روح عالم ..... ۱۲۸  
هم‌چون پرتوهای لامپ در فضا ..... ۱۲۹  
فشار و جاذبه‌ی نیروی عالم ..... ۱۲۹  
موجودات زنده روح دارند ..... ۱۳۰  
موجودات غیرطبیعی ..... ۱۳۰  
وجود اثری و مستقل ..... ۱۳۱  
آیا پرتوها از بین می‌روند؟ ..... ۱۳۲  
ماهیت فیزیکی روح آدمی ..... ۱۳۳  
تمثیل فرشتگان در چپ و راست ..... ۱۳۴  
استقلال روح بعد از مرگ ..... ۱۳۵  
آمادگی برای تحول (مرگ) ..... ۱۳۶  
مانند هسته‌ی یک میوه ..... ۱۳۷  
روح مانند حبیبی اثری ..... ۱۳۷  
سازگاری در حالت برزخ ..... ۱۳۸  
نیاز به پژوهش و تمرین ..... ۱۳۹  
حالت بی‌وزن روح آدمی ..... ۱۴۰  
همه‌چیز ضبط می‌شود ..... ۱۴۱  
شانس و تصادفی در عالم نیست ..... ۱۴۲  
فشار اثری روح عالم ..... ۱۴۳  
هدف از تحول (مرگ) ..... ۱۴۳  
عالم دیگر با این جهان در تضاد نیست ..... ۱۴۴  
فطرت انسانی عالم دیگر را درک می‌کند ..... ۱۴۵  
با توجه به عالم پس از مرگ، در زندگی نقش بازی نخواهد کرد ..... ۱۴۶

قطره‌ای از دریای عظیم و شگفت‌آور عالم دیگر ..... ۱۴۶  
انواع و تکامل ..... ۱۴۹  
گونه‌ها از یک نوع به نوع دیگر تبدیل نمی‌شوند ..... ۱۴۹  
سرشت تغییر نمی‌کند ..... ۱۵۰  
چرا پادتن‌های آن‌ها ارثی و پایدار نشده‌اند ..... ۱۵۱  
چرا مگس‌های سرکه نابینا نشدند ..... ۱۵۲  
وراثت محصول محیط نیست ..... ۱۵۲  
فطرت هر نوع موجود منحصر به نوع خود است ..... ۱۵۳  
ماهیت تغییر نمی‌کند ..... ۱۵۴  
غذاها و سبک مصرف ..... ۱۵۴  
فطرت گرایش پیشاپیشی دارد ..... ۱۵۵  
فطرت لوح صاف نیست ..... ۱۵۷  
فطرت باقی و پایدار است ..... ۱۵۷  
ظرفیت انتخاب و اراده ..... ۱۵۷  
واسطه‌های شیمیایی سلول‌های مغز یا نیروی خلقی ..... ۱۵۸  
نیروی قوی ایمان ..... ۱۵۹  
اختیار و اراده‌ای مستقل وجود ندارد ..... ۱۵۹  
اعمال زشت و تبهکارانه ..... ۱۶۱  
آیا می‌توان غذای فاسد خورد و بیمار نشد ..... ۱۶۲  
انسان عاقل و سالم نمی‌تواند بر زشتی‌ها چشم ببندد ..... ۱۶۲  
طنین ناخوشایند اعمال ..... ۱۶۳  
عالم در هر لحظه تعادل جوست ..... ۱۶۳  
عالم سریع‌الحساب است ..... ۱۶۴  
در کار عالم ذره‌ای خصومت و انتقام نیست ..... ۱۶۵  
کامل‌تر از آن در عالم واقع نبوده است ..... ۱۶۵  
اراده‌ای مجزا نیست ..... ۱۶۶  
خلاف جهت اراده‌ی یکتا و امر یزدانی ممکن نیست ..... ۱۶۷

۱۸۳	دمکراسی وحدت مدار .....
۱۸۴	کرامت و صلاحیت بنیادی .....
۱۸۵	وحدت شرایط را درک کنید .....
۱۸۶	حتی خطاکاران و بزهکاران شایسته‌ی رشد هستند .....
۱۸۶	اگر موجودی بی‌ثمر بود، یقیناً خلق نمی‌شد .....
۱۸۷	هیچ کس دوست ندارد خطاکار باشد .....
۱۸۸	راه تفاهم جهانی .....
۱۸۸	نوازندگان کثیر، ارکستر واحد .....
۱۸۹	از روی حسد و سودجویی .....
۱۸۹	هر کس مسئول است .....
۱۹۱	<b>یکتاپرستی و وحدت</b> .....
۱۹۲	اله‌های جورواجور .....
۱۹۳	حس خداجویی منشا مغزی دارد .....
۱۹۳	قوی‌ترین منبع پناه و آرامش .....
۱۹۴	پروردگار شایسته‌ی «شناخت» است .....
۱۹۵	ترس‌ها و نگرانی‌ها، صرفاً انگیزه‌ی خداجویی نیست .....
۱۹۵	مفاهیم نوین در مقیاس‌های همگانی و جهانی .....
۱۹۶	اطاعت از قدرت‌های مادی و بشری .....
۱۹۷	قدرت‌های اقتصادی و سیاسی و معنوی .....
۱۹۸	یکتاپرستی اصل و اساس دین است .....
۱۹۹	آزادی در شناخت پروردگار .....
۲۰۰	عقل، برترین راهنما .....
۲۰۱	مراحل تحول پرستش .....
۲۰۲	شناختی پیچیده و حیرت‌انگیزتر .....
۲۰۲	وحدت روشی مملوس برای خداشناسی .....
۲۰۳	مصادیق وحدت در همه‌ی جوانب زندگی .....
۲۰۵	علوم، پرتویی از معرفت یزدانی .....

۱۶۸	نیروها فرشتگان عالم‌اند .....
۱۶۸	شیطان همان وسوسه و خیال‌بافی با نیت زشت است .....
۱۶۹	همه‌کس ظرفیت پیشرفت دارد .....
۱۶۹	مفهوم عدالت، برابری انسان‌ها نیست .....
۱۷۰	فطرت و اصالت نسبتاً منحصر به فرد .....
۱۷۰	عالم از یک‌رنگی خوشش می‌آید .....
۱۷۱	معرفت و کشف خداوندی .....
۱۷۱	راز اراده و آزادگی .....
۱۷۲	اصالت و فطرت قابل کپی‌برداری و تقلید کورکورانه نیست .....
۱۷۲	آفرینندگی و آزادی .....
۱۷۳	تقوا و پرهیزکاری .....
۱۷۳	تکلیف اخلاقی .....
۱۷۴	اخلاق وحدت‌گرا .....
۱۷۵	درها گشوده می‌شود .....
۱۷۵	اخلاق اجتماعی .....
۱۷۶	نوع‌دوستی امری فطری .....
۱۷۷	<b>نظام اجتماعی وحدت‌مدار</b> .....
۱۷۷	مردمسالاری و آزادی مدنی .....
۱۷۸	همیشه انتخابات نشانه‌ی گزینش بهترین نیست .....
۱۷۹	تنها آزادی شرط رشد نیست .....
۱۸۰	تاجامع‌ای مستعد نباشد .....
۱۸۰	روش‌های کثرت‌گرا و مردم‌سالار .....
۱۸۱	وظیفه‌ی نظام‌های مدنی .....
۱۸۱	وظیفه‌ی نظام‌های مدنی و دولت‌ها .....
۱۸۲	در نظام وحدت‌مدار .....
۱۸۲	آزادی قانونی .....
۱۸۳	تفاوت نشانه‌ی تبعیض نیست .....

۲۳۲	دوره‌ی تفکر انتزاعی و عقلانیت
۲۳۵	صفات الهی، نیروهای کثیر پروردگار در عالم خلقت
۲۳۸	نکته‌ی جالب توجه
۲۳۹	ابلاغ پیام
۲۴۰	عصر تعقل فرا رسید
۲۴۲	پیامبر اکرم اسوه‌ی مهربانی، گذشت و بزرگواری
۲۴۳	آگاهی از شرایط وقوع
۲۴۵	تنها تذکر و راهنمایی
۲۴۵	قدرت انطباق در زمان
۲۴۶	در وحی همه‌ی عوامل ظاهری و باطنی مشاهده می‌شد
۲۴۸	زمان غلبه‌ی یک دین بر دین دیگر نیست
۲۴۹	هر علمی در درون خود زبانی معنوی و حکمتی دینی دارد
۲۴۹	تماس پیوسته میان بزرگان، عالمان و پیروان ادیان
۲۵۱	علوم بشری به مرحله‌ی وحدت رسیده است
۲۵۱	ادیان جنگ طلب نیستند
۲۵۲	انگیزه‌های جنگ و نزاع
۲۵۳	در پس پرده‌ی جنگ‌های صلیبی
۲۵۴	فقر و قحطی و حرص و آز
۲۵۵	بیکاری و سرخوردگی
۲۵۶	القائات عوام‌فریبانه
۲۵۷	شخصیت‌های دارای افکار پارانوئیدی
۲۶۰	رقابت و قدرت‌نمایی‌های سالم
۲۶۱	صلح پایدار با پذیرش تکثر

۲۰۶	علم و دین، وسیله‌ی رشد
۲۰۷	ابزار سوءاستفاده
۲۰۸	آیا از هنر این همه سوءاستفاده نمی‌شود؟
۲۰۸	خصلت‌های روانی و خُلقی پیروان
۲۰۹	پرورش اندیشه‌ی وحدت‌مدار
۲۱۱	<b>وحدت ادیان</b>
۲۱۲	ذکر نکاتی از دین هندو
۲۱۵	«مایا» انکار واقعیت دنیاست
۲۱۶	تناسخ یک باور قدیمی و افسانه‌ای است
۲۱۷	نظریه‌ی قدیمی طبقاتی کاست‌ها
۲۱۸	ترک لذات و لذایذ دنیایی
۲۱۸	وحدت درونی یا نیروانا
۲۱۹	دوری از زندگی طبیعی
۲۲۰	عقاید آرمانی و کمال‌گرایانه‌ی بودا
۲۲۱	غیر منطقی دانستن «کارما» و «تناسخ»
۲۲۱	قانون «کارما» بیانی افسانه‌ای از قانون عمل و عکس‌العمل
۲۲۳	تمرینات سخت‌گیرانه و افراطی
۲۲۳	ذکر نکاتی درباره‌ی دین زرتشت
۲۲۴	ادیان باستانی را از لوٹ شرک زدود
۲۲۶	دو نیروی اهورایی و اهریمنی
۲۲۶	ذکر نکاتی از دین یهود
۲۲۷	خداوند قاهر
۲۲۸	وحدت اقوام بنی‌اسرائیل
۲۲۹	ذکر نکاتی از دین مسیحیت
۲۳۰	تصور فرزند خدا، باوری غیر منطقی
۲۳۱	چطور می‌توان گناهان دیگران را بر دوش کشید
۲۳۲	ذکر نکاتی از دین اسلام

## مقدمه

وحدت، نظام و پیوندی فطری، تحولی و تعادلی در جهان هستی است و حکمت آن معرفتی است برای شناخت پروردگار و اتصالی پیوسته با عالم یکتا و تطهیر اخلاقی و اشاعه‌ی همدلی و صلح و دوستی. موضوعات این کتاب برای آشنایی با مفاهیم حکمت نوین وحدت و زندگی سعادت‌مند، متناسب با عصر و دانش معاصر است.

فطرت انسان آگاهی و غایت درونی دارد و گرایش به مفاهیم وحدت‌مدار را در بطن خود دارد و به‌طور فطری قوانین وحدت‌مدار عالم را درک و کشف و خود را با واقعیت عینی و فطری جهان هماهنگ می‌کند.

«وحدت» موضوعی ریشه‌دار در حکمت و معرفت جهانی است و اندیشه و حکمت وحدت قرن‌هاست که در جهان مطرح بوده‌است اما هیچ‌گاه و در هیچ برهه‌ای از زمان به اندازه‌ی امروز اسباب و امکانات اجتماعی و فناوری لازم برای شناخت و توسعه‌ی آن در جامعه و جهان فراهم نبوده‌است. اکنون زمان به‌کارگیری این حکمت نوین و متعالی برای ایجاد یک روش زندگی متعالی و برنامه‌ریزی اجتماعی و همگانی فرارسیده است و بشر از نظر تحول فکری و تجربه‌ی ذهنی و اجتماعی به درجه‌ای از فهم و درایت فکری، مدنی و اخلاقی رسیده‌است که نظام وحدت را روش زندگی و برنامه‌ی خود و جامعه قرار دهد.

حضور وحدت در همه‌ی شئون زندگی بشر مملوس و روشن و حکمت آن همه‌جا به چشم می‌خورد، تا حدی که برای عموم قابل درک و فهم است؛



انگیزه‌های فطری آن در اخلاق و حقوق و در همه‌ی شاخه‌های دانش و روابط بشری از علوم تجربی تا علوم انسانی و اجتماعی ریشه دارد. حرکت اجتماع و تاریخ بشر قدم به قدم جهان را به سوی درک وحدت امروزی رسانده‌است و شرایط پذیرش و معرفت آن را کاملاً آماده و مهیا کرده‌است و جامعه‌ی ایرانی شایستگی و ظرفیت سرشتی درک وحدت نوین و حکمت آن را در خود داشته و قابلیت فوق‌العاده‌ای برای ادراک و اشاعه‌ی آن دارد و این لطف بزرگ یزدانی است که شامل جامعه‌ی ایرانی شده و راه وحدت نوین جهانی را هموار کرده‌است.

جهان‌بینی وحدت‌راهی روشن و عملی برای تطهیر اخلاقی بشری، تقویت حس خداشناسی، نوع‌دوستی، خیرخواهی، همدلی و تفاهم همگانی است. همه‌ی موجودات، پرتوها و امواج وجود بی‌همتای عالم‌اند و عاشقانه و پیوسته گرداگرد وحدت عالم در حال تحول و تکامل‌اند و شایسته‌ی وحدت‌اند.

در عالم وحدت، همه‌کس عزیز و حضوری بی‌همتا و منحصر در حلقه‌ی وحدت عالم دارد. هیچ‌کس مانند و مشابهی در عالم خلقت ندارد و همگان برای پیوند وحدت عالم آفریده شده‌اند، لذا پروردگار به همه‌کس توجهی ویژه دارد و هرکس می‌تواند با خلوص و درستکاری، اتصال قوی‌تر با عالم پیدا کند و از گرما و شکوفایی عشق یزدانی بهره‌ی بیش‌تری ببرد و آسوده‌تر و پاکیزه‌تر عمل کند و راه را با اصالت ببیماید.

زندگی اجتماعی عرصه‌ی تبادلات وحدت‌مدار و سرشار از اتصال یزدانی است لذا انزوا و گریز پیشرفت نمی‌آورد. روشنفکر واقعی در متن زندگی و کار و کسب دانش خود می‌تواند وحدت‌مدار بوده و در حرفه و شغل خود وحدت عالم را درک و درستکار و متوجه و پایدار باشد؛ همه‌جا محل و مرکز توجه و تمرکز و خلوت با وجود وحدت‌مدار یزدانی است و همه‌چیز معرف و نشانه‌ی وحدت و حکمت و عظمت یزدانی است. عالم و زندگی عرصه‌ی حضور و وجود نیروی یزدان است و نیروی او در تلاش روزمره و فعالیت‌های اجتماعی بشر جاری است.

مهم‌ترین کار برای هرکس مراقبت از فکر وحدت و پرورش خلوص نیست و درستکاری است و برتر از آن نیست، لذا در هر رشته و شغلی که هستیید توجه خود را مستدام و خالص کنید و اوقاتی را برای تقویت این توجه اختصاص دهید و عشق یزدانی را از راه توجه و خدمت به وحدت پرورش دهید و متذکر و یادآور یزدان و سپاسگزار موهبت او و قدردان همه چیز باشید تا نیروی ایمان و اتصال

پایداری کسب کنید.

راه اتصال عملی با وحدت را با خلوص و خیرخواهی، گذشت و درستکاری در پرتو درخشنده‌ی توجه یکتایی و نیت یزدانی دنبال کنید و در حد توان یاری‌گر دیگران و حمایت‌گر همدل یک‌دیگر باشید، راه عملی همین است و بس.

روش وحدت و فلسفه‌ی آن در کتب دانشمند یگانه، آقای حشمت‌الله دولتشاهی، با لطافت، گیرایی و استدلال ساده و قوی به بهترین وجه بیان شده‌است. در کتاب حاضر به بخش‌هایی از مطالب ارزنده و گرانقدر ایشان اشاره‌ای گذرا شده تا خواننده‌ی گرامی را به آثار تحول‌بخش و اصل حکمت‌نوین رهنمون کند.

وحدت، نظریه‌ای همگانی بر پایه‌ی فطرت جهانی انسان است و تعاریف و تعبیر آن نیز در مقیاس جهانی ارائه می‌شود. نگرش وحدت‌مدار به جهان و برداشت آن از انسان و جامعه و جهان، نگاه بشری را به مفاهیم انسانی متحول و جهانی کرده‌است. با یقینی محکم و عشقی یزدانی و اشتیاقی فراوان اظهار می‌کنم که وحدت به‌عنوان نظریه و روشی جدید و نوین و نافذ می‌تواند تأثیر شگرفی در تغییر و تحول باطنی هرکس بر جای گذارده و محیط سعادت‌ی برای تفاهم و همبستگی جامعه و جهان به‌وجود آورد.

و اما از شما خواننده‌ی گرامی که این کتاب را برای مطالعه انتخاب کرده‌اید سپاسگزارم و نظرات شما را بسیار پذیریم که راه اصلاح نقایص و پیشرفت فهم و رشد نگارنده در فهم نظرات شما عزیزان است. شما را به انتخاب حکمت و نظرات شایسته‌ی این کتاب دعوت می‌کنم تا آنچه را که عقلانی و محکم می‌بینید، با تفکر برگزینید و قبول کنید و آنچه را که فکر نمی‌پذیرد یا نمی‌پسندد برگزینید. این کلام محکم و جاویدان قرآن کریم است که به ما مسلمانان توصیه می‌کند نظرات و آرای همدیگر را بشنویم و از روی عقل و بحث نیکو، بهترین را برگزینیم. روش قرآن کریم بحث و تفکر و تدبیر است. قرآن حکیم، عقل را محور تدبیر قرار داده و حکمت متعالی آن بسیار غنی و فراتر از آن است که کسانی به روش تحریک و تکثیر متوسل شوند.

با عشقی سرشار، سپاس می‌گویم یزدان مقتدر مهربان را، مافوق‌ترین نیروی قدرت و عظمت که مقدر فرمود، اندیشه‌ام بر وحدت متمرکز و با حکمت نوین انس گیرد و با فهم آن زندگی و تفکر کنم. در حد توان و ظرفیت معمولی‌ام که در هر کس وجود دارد و بیش‌تر نیست، هر آنچه و هر چیز که انجام دادم با وحدت